

مکر و مکر خیر مطهر
 سزاوار مردم و بندگان
 شایسته است
 راجع به



آیت الله شهید مطهری

حُبّ علی (ع) در قرآن و سنت

به میمنت ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علی (ع) در سیزدهم رجب که این ولادت ماه رجب را قدسیت و شرافت خاصی بخشید و زادگاهش، کعبه معظمه نیز از یمن مقدس عظمت و جلالش افزون گشت، قسمتی از سخنان مرحوم استاد شهید آیت الله مطهری را تحت عنوان "حُبّ علی در قرآن و سنت" تقدیم خوانندگان عزیز می‌نمایم:

قرآن، سخن پیامبران گذشته را که نقل می‌کند می‌گوید همگان گفتند: "ما از مردم مزدی نمی‌خواهیم تنها اجرا بر خداست." اما به پیغمبر خاتم خطاب می‌کند:

"قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ"

فی القریبی (۱)

"بگو از شما مزدی را درخواست نمی‌کنم مگر دوستی خوبان و ندان نزدیکم." اینجا جای سؤال است که چرا پیامبران هیچ اجری را مطالبه نکردند و نبی اکرم برای رسالتش مطالبه مزد کرد.

دوستی خوبان و ندان نزدیکش را بطلبوان پاداش رسالت از مردم خواست؟ قرآن خود به این سؤال جواب می‌دهد: "قُلْ مَا تَأْتِيكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَبِهِ لَكُمْ أَنْ" "اجری الا علی الله" (۲)

"بگو مزدی را که درخواست کردم چیزی است که سودش عاید خود شماست، مزد من جز بر خدا نیست."

یعنی آنچه را من به عنوان مزد خواستم عاید شما می‌کردد نه عاید من، این دوستی کفندی است برای تکامل و اصلاح خودتان، این، اسمش مزد است و الا در حقیقت خیر دیگری است که به شما پیشنهاد می‌کنم، از این نظر که اهل‌البیت و خوبان پیغمبر مزد می‌هستند که گرد آلودگی نروند و دامن پاک و پاکیزه دارند:

"حجور طابیت و طهرت"

محبت و شیفتگی آنان جز اطاعت از حق و پیروی از فضائل نتیجه‌های نیکش و دوستی آنان است که همچون اکسیر، قلب ماهیت

می‌کند و کامل ساز است. مراد از "قریبی" هر که باشد مسلماً از برجسته‌ترین معادق آن، علی است. پیغمبری در کشف روایت کرده: چون این آیه نازل گشت، گفتند یا رسول الله! خوبان و ندانی که بر ما محبتشان واجب است کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسران آنان....

از پیغمبر نیز راجع به محبت و دوستی علی روایات بسیاری رسیده است:

۱- این انبیا نقل می‌کند که پیغمبر خطاب کرد به علی و فرمود:

یا علی! خداوند تو را به چیزهایی ریخت داد که پیش بندگان او زینتی از آن‌ها محبوبتر نیست: کناره گیری از دنیا، آنچنان فراتر داد که نه تو از دنیا چیزی بهره‌مند شوی و نه آن از تو. به تو بخشید دوستی مساکین را، آنان به امامت تو خشنودند و تو نیز به پیروی آنان از شو. خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و

در دوستیت راستین باشد، و وای بر کسی که با تو دشمنی کند و علیه تو دروغ گوید (۳)
 ۲ - سیوطی روایت می کند که پیغمبر فرمود:
 دوستی علی ایمان است و دشمنی وی نفاق (۴)
 ۳ - ابو نعیم روایت می کند که پیغمبر خطاب به انصار کرد و فرمود:
 آیا راهنمایی کنم شما را به چیزی که اگر بدان جنگ بزنید بعد از من هرگز گمراه نشوید؟ گفتند آری یا رسول الله!
 فرمود: این علی است، دوستشیدارید به دوستی من، و احترامش کنید به احترام من، که خداوند به وسیله جبرئیل فرمان داد که این را برای شما بگویم (۵)
 و نیز اهل سنت روایاتی از پیغمبر اکرم نقل کرده اند که در آن روایات، نگاه به چهره علی و سخن فضاائل علی عبادت شمرده است.
 ۱ - محب طبری از عایشه روایت می کند که گفت:

را برسان که با من در خوردن این مرغ شرکت کند. در همان هنگام در کوبیده شد، پیغمبر فرمود: انس! در را باز کن گفتم خدا کند مردی از انصار باشد. اما علی را پشت در دیدم، گفتم پیغمبر مشغول کاری است، و برگشتم بر سر جایم ایستادم، باز دیگر در کوبیده شد. پیغمبر گفت در را باز کن، باز دعا می کردم مردی از انصار باشد، در را باز کردم باز علی بود، گفتم پیغمبر مشغول کاری است و برگشتم بر سر جایم ایستادم. باز در کوبیده شد، پیغمبر فرمودند: انس برو در را باز کن و او را به خانه بیاور، تو اول کسی نیستی که قوت را دوست داری، او از انصار نیست. من رفتم و علی را به خانه آوردم و با پیغمبر مرغ بریان را خوردند. (۸)

سبب دوستی و محبت علی در دلها چیست؟

رمز محبت را هنوز کسی کشف نکرده است، یعنی نمی توان آنرا فورموله کرد و گفت اگر چنین شد چنان می شود و اگر چنان شد چنین، ولی البته رمزی دارد چیزی در محبوب هست که برای محب از نظر زیبایی خیره کننده است و او را بسوی خود می کشد، جاذبه و محبت در درجات بالا عشق نامیده می شود، علی محبوب دلها و معشوق انسانهاست، چرا؟ و درجه چیست؟

علی (ع) از آن نظر محبوب است که بیوند الهی دارد.

و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می یابند

به او عشق می ورزند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پدرم را دیدم به صورت علی بسیار نگاه می کرد، گفتم: پدر جان! تو را می بینم که به صورت علی بسیار می نگری؟ گفت دختر تو! از پیغمبر خدا شنیدم که گفت: نگاه به چهره علی عبادت است (۶)
 ۲ - ابن حجر از عایشه روایت می کند که پیغمبر گفت:

"بهترین برادران من علی است و بهترین نمونه های من حمزه است و یاد علی و سخن از او عبادت است" (۷)
 علی، محبوبترین افراد بود در پیشگاه خدا و پیغمبر، و قهرابترین محبوبهاست. انس بن مالک می گوید:

هر روز یکی از فرزندان انصار کارهای پیغمبر را انجام می داد، روزی نوبت من بود، ام ایمن مرغ بریانی را در محضر پیغمبر آورد و گفت یا رسول الله! این مرغ را خود گرفتم و بخاطر شما پخته ام. حضرت گفت: خدایا محبوبترین بندگانت

فوق العادگی علی در چیست که عشق را بر انگیزته و دلها را بخود شیفته ساخته و رنگ حیات جاودانی گرفته است و برای همیشه زنده است؟ چرا دلها همه خود را با او آشنا می بینند و اصلا او را مرده احساس نمی کنند بلکه زنده می یابند؟

مسئله ملاک دوستی او جسم او نیست، زیرا جسم او اکنون در بین ما نیست و ما آن را احساس نکرده ایم، و باز محبت علی از نوع قهرماندوستی که در همه ملتها وجود دارد نیست، هم اشتباه است که بگوئیم محبت علی از راه محبت فضیلت های اخلاقی و انسانی است، بوحب علی حبا انسانیت است، درست است علی مظهر انسان کامل بود و درست است که انسان نمونه های عالی انسانی را دوست می دارد اما اگر علی همه این فضائل انسانی را که داشت می داشت، آن حکمت و آن علم، آن فداکاریها و از خود گذشتگیها، آن تواضع و فروتنی، آن ادب

آن مهربانی و عطوفت، آن ضعیف پروری، آن عدالت، آن آزادی و آزاد بخواهی، آن احترام به انسان، آن ایثار، آن شجاعت آن مروت و بردانگی نسبت به دشمن، و به قول مولوی:

در شجاعت شیر ربانیتستی

در مروت خودنگه داند کیستی؟
 آن سخا و جود و کرم و ... اگر علی همه اینها را که داشت می داشت اما رنگ الهی نمی داشت، مسلما این قدر که امروز عاطفه انگیز و محبت خیز است نبود.

علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد، دلهای ما بطور ناخود آگاه در اعماق خویش با حق سرو و پیوستگی دارد، و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می یابند به او عشق می ورزند. در حقیقت پشتوانه عشق علی، پیوند جانها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرتها نهاده شده و چون فطرتها جاودانی است مهر علی نیز جاودان است. نقطه های روشن در وجود علی بسیار است اما آنچه برای همیشه او را درخشان و تابان قرار داده است ایمان و اخلاص او است و آن است که به وی جذبه الهی داده است، سوده همدانی، بانوی فداکار و دلپاخته علی، در مقابل معاویه بر علی درود فرستاد و در وصفش گفت:

صلی الله علی روح تفضلیها

قبر فاصح فیها العدل مدفونها
 قد جالفت الحق لا یبغی بهدلا

فصار بالحق و الایمان مقرونها
 - درود خداوند بر روانی باد که او را خاک برگرفت و عداوت نیز با وی مدفون گشت
 "باحق پیمان بسته بود که بجای آن بدلی نگزیند - پس با حق و با ایمان مقرون گشته بود"

صعصعین صوحان عبیدی نیز یکی دیگر از دلپاختگان علی بود، از کسانی بود که در آن دل شب در مراسم دفن علی با عده معدودی شرکت کرد، پس از آنکه حضرت را دفن کردند و بدنش را خاک پوشانیدند، صعصعه یک دست خویش را بر قلبش نهاد و با دست دیگر خاک بر سرش ریخت و گفت:
 مرغ گوارایت باد! که مولدت پاک بود و تکبالت نبود و جهادت بزرگ بر سر اندیشه ات دست یافتی و تجارت سودمند گشت.

بر آفریننده ات نازل گشتی و او تو را با خوشی پذیرفت و ملائکت بگردد درآمدند، در همسایگی پیغمبر جایگزین گشتی و خداوند تو را در قرب خویش جای داد و به درجه برادرت مصطفی رسیدی و از کاسه لبریزش آتامیدی.

از خدا می خواهیم که از تو پیروی کنیم و به روشهایت عمل کنیم، دوستانت را دوست بداریم و دشمنانت را دشمن بداریم و در جرگه دوستانت محصور گردیم.

در یافتی آنچه را دیگران در نیافتند و رسیدی به آنچه دیگران نرسیدند، در پیشگاه برادرت پیغمبر جهاد کردی و به دین خدا

بقیه در صفحه ۴۷

دنباله تاریخ

آیا این مردان بزرگ صدر اسلام که چند سالی از اسلام آنها نگذشته بود اما اینگونه از خود و مال و همه چیز خود در راه پیشرفت اسلام می‌گذشتند، نمی‌تواند برای شما که خود و پدران و اجدادتان سالهاست دم از اسلام می‌زنید، نمونه و الگو باشید؟ آیا براسنی از خون این همه شهید و این ملت شهیدپرور و آن مادران و پدران ایثارگری که برخی تا سه و چهار پسر خود را فدای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌اند و هم‌اکنون در میان جامعه ما هستند و کم هم نیستند شرم نمی‌کنید؟ چگونه حاضر به چنین جنایت بزرگی می‌شوید و این همه شهید و معلول و جانباز و خانواده‌های شهید داده‌و اینهمه کمکهای داخل جبهه و پشت جبهه را نادیده می‌گیرید، و از روی اینهمه جنازه و

دنباله حب علی (ع)

آنچنانکه شایسته بود قیام کردی تا سنتها را برپا داشتی و آشوبها را اصلاح نمودی و اسلام و ایمان منظم گشت، بر تو بساد بهترین درودها .

به وسیله تو پشت مؤمنان محکم شد و راهها روشن گشت و سنتها بها ایستاد ، احدی فضايل و سجاای تو را در خود جمع نکرد . ندای پیغمبر را جواب گفتی ، به بارش شتافتی و با جان خویش حفظش کردی ، با شمشیر ذوالفقار در مراحل ترس و وحشت حمله بردی و پشت ستمگران را شکستی ، بنیانیهای شرک و پستی را درهم فروریختی و گمراهان را در خاک و خون کشیدی پس گوارایت باد ای امیر مؤمنان .

نزدیکترین مردم بودی به پیغمبر ، اول کسی بودی که به اسلام گرویدی ، از یقین لبریز و در دل محکم و از همه فداکارتر و نصیحت از خیر بیشتر بود . خداوند ما را از اجر مصیبت محروم نکند و پس از تو ما را خوار نگرداند .

خدا سوگند که زندگیت کلید خیر بود و

بدنهای مقدس می‌گذرید؟!

یکی از آقایان می‌گفت: کارهای عدلای از ما ایرانیان از قدیم ، بیشتر صورت افراط و تفریط داشته و دارد ، و راه عدالت را کمتر پیموده است . وقتی صورت تقدس به خود می‌گیرد ، آنچنان می‌شود که برای خواندن یک نماز و یا یک وضو و غسل ، ساعتها وقت صرف میکند و هنگامی که جنبه تقلید از اروپائیان و بی‌دینان را به خود می‌گیرد آنچنان می‌شود که در زمان طاعون در صورتهای زشت و غیرانسانی آن مشاهده می‌شد .

اکنون نیز همانگونه که بهترین الگوهای ایثار و فداکاری و بزرگترین اسوه و نمونه شهادت و جانبازی را در دنیای امروز میتوان در جبهه‌های جنگ ملت ایثارگر مشاهده کرد ، کاملترین نمونه جنایت و خیانت را نیز می‌توان در میان تروریستهای جانی و اقتصادی و فکری بچشم دید!

البته این گمنام برای نشان دادن فاصله بسیاری که میان دو طرز تفکر و روحیات و اعمال مردم مشاهده می‌شود جالب است ، گرچه در مورد ایثار گران و جانبازان مسا

قفل شر ، و مرکت کلید هر شری است و قفل هر خمیری ، اگر مردم از تو پذیرفته بودند از آسمان و زمین نعمتها پراشان می‌بارید اما آنان دنیا را بر آخرت بزرگ کردند . (۹)

آری دنیا را بزرگ کردند و در مقابل عدل و عدم انصاف علی تنها جاویدند و عاقبت دست جمودها و رکودها از آستین مردمی بدر آمد و علی را شهید کرد .

علی - علیه السلام - در داشتن دوستان و محبان سر از پا نشناخته ، که در راه ولاه و محبت او سر دادند و بر سر دار رفتند بی نظیر است . تاریخچه‌های شگفت و جالب حیرت‌انگیز آنها صفحات تاریخ اسلام را مفتخر ساخته است . دست جنایت‌ناپاکانی از قبیل زیاد بن ابیه و پسرش عبیدالله و حجاج بن یوسف و متوکل و در رأس همه اینها معاویه بن ابوسفیان به خون این زنده‌های انسانیت تا مرقع آلوده است .

۱ - سوره شوری - آیه ۲۲ .

۲ - سوره سبأ - آیه ۲۷ .

۳ - اسدالغابه ، ج ۲ ، ص ۲۳ .

۴ - کنز العمال ، جمع الجوامع سیوطی ؛

جلد ۶ ، صفحه ۱۵۶ .

صحیح نیست و نمی‌توان آنان را در اینهمه افتخاری کف‌آفرینند افراطی نامید ، بلکه باید آنان را والاترین نمونه ایمان و شهادت در میان افراد عادی و مسلمانان در طول تاریخ اسلام و بلکه تاریخ بشریت نامید . اما تفاوت ره را می‌توان دید که از کجا است تا به کجا ، البته ما بطور جدی و امیدوار کننده‌ای این امید را داریم که با پیشرفت و تداوم این انقلاب بزرگ اسلامی سرعت اینگونه افراد از خدای خیردر انزوا قرار گیرند و یا بر اثر انقلاب ، تحولی اصیل در آنها نیز ایجاد شود و مسئولیت ایمانی و انقلابی و اسلامی خود را درک نمایند ، انشاء الله تعالی .

۱ - شماره دقیق آنان معلوم نیست ولی تعدادی حدود یکصد نفر بودند .

۲ - این قسمت تلخیص شده و رسول خدا در اینجا قبایل مدینه را جدا جدا نام برده .

۳ - این قسمت تلخیص شده است .

۴ - بجز یکی دو مورد که تلخیص شده و با عبارت معلق بود بقیه از روی متنی که در سره این هشام نقل شده بود ترجمه شد .

۵ - سوره انفال ، آیه ۷۵ .

۶ - اسدالغابه ، ج ۳ ، ص ۳۱۲ .

۵ - حلیه الاولیا ، ج ۱ ، ص ۶۲ روایات در این باب بسیار زیاد است و ما در کتب معتبر اهل سنت به متجاوز از نود روایت برخوردیم که همه در موضوع دوستی و محبت امیرالمؤمنین است . در کتب شیعه نیز روایات بسیار زیادی وارد شده است و مرحوم مجلسی درج ۳۹ بحارالانوار چاپ جدید بابی در حب و بغض امیرالمؤمنین منعقد کرده است و در آن باب ۱۲۳ روایت نقل کرده است .

۶ - الریاض النضره ، ج ۲ ، ص ۲۱۹ و در حدود ۲۵ روایت دیگر تا آنجا که ما برخوردیم در همین موضوع در کتب اهل سنت نقل شده است .

۷ - الصواعق المحرقة ، ص ۷۲ و پنج روایت دیگر در همین موضوع در کتب مختلف اهل سنت نقل شده است .

۸ - مستدرک الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۳۱ . این داستان با کیفیت‌های مختلف به متجاوز از هجده نقل در کتب معتبر اهل سنت نقل شده است .

۹ - بحارالانوار ، ج ۲۲ ، ص ۲۹۵ - ۲۹۶ چاپ جدید .

